

دانشگاه باقرالعلوم (ع)

تحقیق پایانی کارشناسی ارشد

عقلانیت در اندیشه فلسفی ابن سینا

استاد راهنما:

جناب آقای یزدان پناه

استاد مشاور:

جناب آقای گرجیان

نگارنده:

معصومه اسماعیلی

زمستان ۱۳۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

ابن اثر را تقدیم می‌کنم به ۱۴ نور محمدی و مظهر اوصاف سرمدی

و نائب برحق یار غائب مقام معظم رهبری

تقدیر:

تشکر تنها از آن خداست اما آن کس که شکر از مخلوق نکند
خالق خویش را قدر ندانسته است لذا شایسته است از زحمات
صبورانه‌ی استاد راهنمای خود جناب آقای یزدان پناه تشکر کرده و
عزت و موفقیت ایشان را از ساحت حق خواستار باشم همچنین از
راهنمایی جناب دکتر گرجیان قدردانی کرده و زحمات همسر را در
طول تدوین این رساله بر لوح قلبم ماندگار می‌کنم.
درود بر قلب پاک مادرم و محبت خالصانه‌ی پدرم؛ دعای من
وصول آنان به عرفان ناب محمدی و رضوان الهی است.

چکیده:

پایان‌نامه‌ی حاضر در چهار فصل به بررسی عقلانیت در اندیشه‌ی فلسفی ابن سینا پرداخته و روش عقلی ایشان را مورد بررسی قرار می‌دهد. جناب بوعلی به عنوان رئیس المشائین بزرگ‌ترین مفسر فلسفه‌ی مشائی و ارسطوئی بوده و خود نیز در این زمینه صاحب نظری به نام است. گرایش جناب بوعلی به عقلانیت اشراقی در دوران متأخر زندگی و سؤال بر سر گذر ایشان از معبر عقلانیت بحثی به سمت روش اشراقی و اختلافات اهل نظر در این رابطه، مهم‌ترین دلیل نگارش این رساله بود.

بخش اول از رساله با عنوان مبانی بحث به بررسی فلسفه‌ی مشاء، جایگاه بوعلی در فلسفه‌ی مشاء و توضیحی راجع به زندگی و آثار بوعلی اختصاص یافته و کلیات این مباحث به قلم تحلیل و بررسی بیان می‌شود.

بخش دوم از رساله با عنوان عقلانیت بحثی، مفاد عقلانیت بحثی اعم از ارسطوگرایی، اهمیت به منطق و برهان و بنیاد قرار دادن اولیات را مطرح کرده و اهمیت برهان و منطق را در فلسفه‌ی بوعلی به تصویر می‌کشد. در این بخش با بررسی ادراک و مراحل آن از منظر بوعلی به جایگاه و نقش ادراک عقلی پرداخته شده و این نوع ادراک را به عنوان مهم‌ترین نوع از شناخت مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش سوم از این رساله با عنوان عقلانیت اشراقی به بیان گرایش جناب بوعلی به عقل اشراقی اختصاص یافته و مصادر اشراقی تفکر بوعلی از جمله مصدر افلاطونی، مصدر افلوپینی، مصدر هرمسی، مصدر شریعت و عرفان با توضیحی راجع به چگونگی تأثیر هر

مصدر در تفکر اشراقی بوعلی شمرده شده است. در این بخش که شامل چند فصل می‌باشد مؤلفه‌های عقل اشراقی نیز بیان شده و جوانب اشراقی در رسائل عرفانی ابن سینا و سه نمط آخر اشارات مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

بخش آخر در سه فصل به نتیجه‌گیری از کل تحقیق اختصاص دارد.

ابتدا عقل دوره‌ی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم اشراق در فلسفه‌ی بوعلی بیان شود و در آخرین فصل، مؤلفه‌های عقل بحثی و عقل اشراقی جمع‌بندی شده و مورد بحث بررسی اجمالی قرار می‌گیرد. به طور خلاصه بررسی کرده که به عنوان نتیجه‌ی بخش سوم قلمداد می‌شود.

این اثر با استفاده از کتب و رسائل بوعلی چون اشارات و تنبیهات، شفا، مبدأ و معاد، تعلیقات، حی بن یقظان، رساله الطیر، رساله العشق نگاشته شده و تمام رساله جز نقل قول‌های مستقیم با پردازش قلم نویسنده بوده است.

مقدمه:

جایگاه جناب بوعلی در تاریخ فلسفه‌ی اسلامی، مرتبتی برجسته و مقامی بس والا است چرا که او را رئیس المشائین لقب داده‌اند و این لقب حاکی از جایگاه ویژه وی در فلسفه است. در میان فلاسفه‌ی مشائی جناب بوعلی به بهترین نحو ممکن به تفصیل و شرح آموزه‌های ارسطویی پرداخته و کتاب شفای او منبع عظیم تعالیم مشائی است لذا در فلسفه‌ی بحثی و استدلالی تبخّری عمیق داشته و در این نوع فلسفه، جایگاه علمی بلندی دارد. ایشان در دوران متأخر زندگی خود به عرفان و اشراق‌گرایی نشان داده و رساله‌هایی متفاوت از «شفا» نگاشتند. بوعلی در سه نمط آخر اشارات و تنبیهات به بحث از عرفان خصوصاً عرفان عملی پرداخته و برای عرفاء مقامی رفیع قائل شدند. وی در میان آموزه‌های عرفانی بیانی موفق داشته و حتی بحث‌هایی عمیق چون فنا و اتصال را نیز مطرح می‌کنند و در رساله‌هایی چون رساله الطیر، رساله فی العشق، حی بن یقظان، سلامان و ابسال و قصیده‌ی عینیه به سیر و سلوک عارف پرداخته و مطالب اشراقی را با بیانی فلسفی در هم می‌آمیزد. از آن جا که «شفای» ایشان لبریز از آموزه‌های فلسفه‌ی بحثی است و مقام ایشان را در فلسفه‌ی بحثی و استدلالی به چشم می‌آورد، چنین روش‌مندی در فلسفه‌ی اشراقی در میان آثار ایشان به نظر نمی‌رسد، بوعلی باب اشراق را در فلسفه‌ی خویش می‌گشاید و اهمیت آن را مورد توجه قرار می‌دهد اما این روش در فلسفه‌ی ایشان به تکامل نرسیده و ثمر نمی‌دهد بلکه به صورت رگه‌هایی از اشراق جلوه‌نمایی می‌کند.

از آن جا که گذر از عقل بحثی به سمت عقل بحثی - شهودی در فلسفه ابن سینا مورد اختلاف و تردید فراوان است و برخی او را فیلسوفی کاملاً مشائی و ارسطویی دانسته و حتی

در معنای مشرقیه ایشان نیز قیل و قال کرده‌اند و از آن طرف برخی نیز بوعلی را به خاطر رساله‌های عرفانی در جایگاه یک عارف نشانده‌اند لذا ضروری است به تفکیک مؤلفه‌های عقل بحثی و عقل اشراقی در فلسفه‌ی ایشان پرداخته و رویکرد فلسفی وی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

این رساله با تکیه بر کتب ابن سینا چون اشارات و تنبیهات شرح خواجه نصیرالدین طوسی، شفاء، رساله نفس، مبدأ و معاد، تعلیقات، رساله الطیر و دیگر رسائل عرفانی نگاشته شده و تا حد امکان از متون اصلی شیخ خارج نشده است و علت این امر غنابخشی به درونمایه فلسفی اثر و احترام به منزلت والای بوعلی در کتب فلسفی و جایگاه ایشان در تاریخ عقل اسلامی بوده است. این موضوع تا به حال به شکل کتابی مدون و تحقیقی عمیق مورد بررسی قرار نگرفته و تنها مقالاتی کوتاه یا فصل موجزی از یک کتاب به رسائل اشراقی ابن سینا اختصاص داشته است که تعداد آن‌ها بسیار اندک است.

رساله‌ی حاضر در چهار بخش تنظیم شده و هر بخشی نیز مشتمل بر چند فصل می‌باشد. بخش اول به مبانی بحث اختصاص داشته و جایگاه بوعلی را در فلسفه‌ی مشائی و جهان اسلام مورد بررسی قرار داده و به بیان تفاوت مکاتب مهم فلسفی در جهان اسلام می‌پردازد. بخش دوم با عنوان عقلانیت بحثی به بیان مؤلفه‌های عقل بحثی و جایگاه برهان، منطق و حدس در این نوع عقلانیت پرداخته و نتیجه‌ی عملی عقلانیت بحثی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش سوم به عقلانیت اشراقی، بیان مؤلفه‌های آن و علل گرایش بوعلی به عقلانیت اشراقی اختصاص داشته و فصل آخر نتیجه‌گیری از تمام این مباحث در سه فصل می‌باشد روش نگارنده این رساله کتابخانه‌ای و تحلیلی - توصیفی است و جنبه‌ای کاملاً علمی دارد.

فهرست مطالب

* بخش اول: کلیات

۲	تبیین مسأله
۲	ضرورت و اهمیت بحث
۳	پیشینه‌ی تحقیق
۴	روش تحقیق
۵	مشکلات و محدودیت‌ها
۵	سؤالات تحقیق

۱-۱. عقل در فلسفه

۶	۱-۱-۱. مفهوم شناسی عقل از نظر لغوی و اصطلاحی:
۸	عقل در منطق
۹	عقل در دلالت عقلی
۹	کلی عقلی
۹	عقل در قرآن
۱۱	عقل در روایات
۱۲	۱-۱-۲. مفهوم شناسی عقل از نظر بوعلی:
۱۳	۱-۱-۳. مراتب عقل:
۱۵	۱-۱-۴. مراتب عقل نظری:
۲۰	۲-۱. تاریخ روش عقلانی
۲۱	۱-۲-۱. تفاوت مشاء و اشراق در روش:
۲۲	۱-۲-۲. روش استدلالی - بحثی:
۲۳	۱-۲-۳. روش بحثی - شهودی:
۲۴	۱-۲-۴. روش شهودی - بحثی در حکمت متعالیه:
۲۴	۳-۱. تعیین بخشی عقل
۲۶	۱-۳-۱. جایگاه عقل تعیین یافته در مباحث فلسفی:
۲۹	۴-۱. مکتب مشاء و بوعلی

- ۱-۴-۱. حکمت مشاء و پیشینه تاریخی آن: ۲۹
- ۱-۴-۲. جایگاه بوعلی در مکتب مشاء: ۳۲
- ۱-۴-۲-۱. زندگی‌نامه جناب بوعلی: ۳۲
- ۱-۴-۲-۲. نظام فلسفی ابن سینا: ۳۴
- ۱-۴-۲-۳. تالیفات ابن سینا: ۳۵
- ۱-۴-۲-۴. نسبت بوعلی با مکتب مشاء: ۳۵

* بخش دوم: اهمیت فکر و استدلال در عقلانیت بحثی

- ۲-۱. ۲-۱-۱. اهمیت ادراک و اهمیت آن ۳۹
- ۲-۱-۱-۱. اهمیت ادراک از نظر بوعلی: ۳۹
- ۲-۱-۱-۲. ماهیت ادراک از نظر بوعلی: ۴۰
- ۲-۱-۱-۳. بررسی قوای ادراکی: ۴۲
- ۲-۱-۱-۴. مراتب ادراک از نظر ابن سینا: ۴۳
- ۲-۱-۱-۵. اثبات برتری ادراک عقلانی: ۴۶
- ۲-۲. ۲-۲-۱. جایگاه برهان و منطق در عقلانیت بحثی ۴۸
- ۲-۲-۱-۱. جایگاه منطق در عقلانیت بوعلی: ۴۸
- ۲-۲-۱-۲. ابداعات ابن سینا در منطق: ۵۱
- ۲-۲-۱-۳. اهمیت برهان در عقلانیت بوعلی: ۵۲
- ۲-۲-۱-۴. اهمیت اولیات و بنیاد قراردادن آن‌ها: ۵۵
- ۲-۳. ۲-۳-۱. جایگاه حدس در عقلانیت بحثی ۵۷
- ۲-۳-۱-۱. بررسی قوه حدس: ۵۷
- ۲-۳-۱-۲. رابطه حدس و عقل قدسی: ۶۲
- ۲-۴. ۲-۴-۱. مؤلفه‌های عقل بحثی ۶۴
- ۲-۴-۱-۱. بررسی مؤلفه‌های عقل بحثی ۶۴
- ۲-۴-۱-۲. ارسطوگرایی ۶۵
- ۲-۴-۱-۳. منطق و برهان ۶۶
- ۲-۴-۱-۴. مبنا قرار دادن اولیات ۶۷
- ۲-۴-۱-۵. عقل تحلیلی و استدلالی در فلسفه‌ی بوعلی ۶۷
- ۲-۴-۱-۶. جای دادن حدس در بستر عقل استدلالی ۶۸
- ۲-۵. ۲-۵-۱. نقص عقلانیت بحثی ۷۰

*** بخش سوم: عقلانیت اشراقی در فلسفه‌ی بوعلی**

- ۳-۱. گرایش به عقل اشراقی در تفکر بوعلی ۶۸
- ۳-۱-۱. عقل ذوقی بوعلی: ۷۴
- ۳-۱-۲. مفهوم حکمت مشرقیه در نگاه بوعلی: ۷۶
- ۳-۲. علل و مصادر گرایش بوعلی به عقلانیت اشراقی ۸۰
- ۳-۲-۱. مصدر افلاطونی: ۸۸
- ۳-۲-۲. مصدر ارسطویی: ۸۲
- ۳-۲-۳. مصدر افلوپینی: ۸۳
- ۳-۲-۴. مصدر هرمسی: ۸۵
- ۳-۲-۵. مصدر شریعت و عرفان: ۸۶
- ۳-۳. شهود و اشراق و آموزه‌های اشراقی در تفکر بوعلی
- ۳-۳-۱. گرایش به اشراق در اشارات: ۸۹
- ۳-۳-۲. اشراق در رسالة العشق: ۹۱
- ۳-۳-۳. اشراق در حی بن یقطان: ۹۳
- ۳-۳-۴. اشراق رسالة الطیر: ۹۳
- ۳-۳-۵. اشراق در سلمان و اقبال: ۹۴
- ۳-۳-۶. اشراق در رسالة صلاة: ۹۵
- ۳-۴. مؤلفه‌های عقل اشراقی ۹۷
- ۳-۵. نتیجه عملی عقلانیت اشراقی بوعلی ۱۰۱

*** بخش چهارم: نتیجه‌گیری**

- ۴-۱. بررسی عقل دوره‌ی اسلامی ۱۰۴
- ۴-۲. عقلانیت اشراقی در فلسفه‌ی بوعلی ۱۰۷
- اتصال به عقل فعال و شهود کلیات ۱۱۰
- علم حضوری و شهودی خداوند به ذات خود ۱۱۱
- علم حضوری و شهودی انسان به خدا ۱۱۲
- علم حضوری نفس به ذات خود ۱۱۲
- ۴-۳. مؤلفه‌های عقل بحثی و عقل اشراقی ۱۱۴
- فهرست منابع ۱۱۷

بخش اول

کلیات

تبیین مسأله

«عقلانیت در اندیشه فلسفی ابن سینا» تحقیقی راجع به روش عقلی ابن سینا در، یافت حقیقت است. از آنجا که در عقل دوره‌ی اسلامی، روش‌های عقلی متفاوتی در وصول به حقیقت به کار گرفت شد و برخی پیرو آموزه‌های فلسفه‌ی یونان و برخی متأثر از شریعت و عرفان بوده‌اند؛ این پایان‌نامه به بررسی روش عقلی ابن سینا و تمایز روش او با دیگر روش‌های عقلی می‌پردازد. در فلسفه‌ی دوران اسلامی سه مکتب مهم قد علم کرده و آموزه‌های خود را براساس معیارهایی که تدوین کرده‌اند، به منصفی ظهور رسانده‌اند. مکتب مشاء اسلامی پیرو مشاء ارسطویی بوده و فلاسفه‌ی متعددی در این مکتب ظهور نموده‌اند. ابن سینا به عنوان رئیس المشائین، پرچمدار این مکتب به حساب آمده و روش عقلی خود را به عنوان روش بحثی مشائی ثبت کرده است اما در اواخر عمر و در برخی رساله‌ها و نمط‌های اخیر اشارات گرایشی به عرفان و اشراق نشان داده و راه شهود را به عنوان راهی برای رسیدن به واقع قبول می‌کند. رساله‌هایی چون حی بن یقظان، رساله الطیر، قصیده‌ی عینیه، رساله العشق و سلامان و ابسال به همراه سه نمط آخر اشارات، انحصار بوعلی در روش بحثی صرف را مورد تردید قرار داده و رگه‌هایی از فلسفه‌ی اشراق که بوعلی به آن حکمه‌ المشرقین می‌گوید در آن‌ها به چشم می‌خورد این رساله به بیان عقل بحثی و عقل مشائی و بررسی روش بحثی و روش اشراقی بوعلی از میان آموزه‌های بحثی و اشراقی ایشان پرداخته و با بیان مؤلفه‌های هر کدام تفاوت این دو روش و نقش بوعلی در فلسفه‌ی بحثی و اشراقی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ضرورت و اهمیت بحث

پرداختن به موضوعاتی که مورد عنایت ویژه‌ی اهل فلسفه نبوده و در عین حال سؤالی مهم محسوب می‌شود، کاری مهم و گران‌قدر است. این رساله ادعای پاسخ‌گویی به پرسش از روش فلسفی ابن سینا و اتقان این پاسخ را ندارد بلکه تلاشی است از سوی نویسنده‌ی حقیر که می‌کوشد زوایای پنهان فلسفه‌ی بوعلی را از حیث روش عقلی و آموزه‌های بحثی و اشراقی به تصویر کشیده و راه و سبک رئیس المشائین را

در فلسفه‌ی آشکار سازد. از آن‌جا که جناب بوعلی، علمدار فلسفه‌ی مشائی در جهان اسلام به شمار رفته و «شفای» وی منبع عظیم آموزه‌های مشائی و فلسفه‌ی بحثی است و از آن طرف رساله‌های عرفانی ایشان به جوانب اشراقی توجه نشان داده است لذا ضروری است از این تردید فلسفی بیرون آمده و فلسفه‌ی ایشان را با توجه به جوانب بحثی و اشراقی مورد بررسی قرار دهیم تا مقدار تعلق این فیلسوف بزرگ به مشاء و گرایش ایشان به اشراق و عرفان بر همگان معلوم گردد.

پیشینه‌ی تحقیق

این رساله بیشتر با تکیه بر آثار جناب بوعلی نگاشته شده است چرا که سخن گفتن از فلسفه‌ی بوعلی بدون مراجعه به کتب ایشان امکان پذیر نیست، منبع اصلی این اثر، کتب و رسائل ایشان بوده و منابع دست دوم به ندرت مورد استناد قرار گرفته‌اند، کتاب‌هایی که در این رساله مهم‌ترین نقش را ایفا کرده‌اند از این قرارند.

۱) الإشارات والتنبيهات شرح خواجه نصیرالدین طوسی

این کتاب در سه جلد به شرح نمط‌های ده‌گانه اشارات پرداخته و فلسفه‌ی بحثی و حتی نمط‌های عرفانی اشارات را به بیان فلسفی شرح نموده است. زبان این اثر عربی بوده و در شرح اشارات بر ادبیات فلسفی پایدار بوده است.

۲) بوعلی، شفا

از این کتاب بخش‌های منطق، النفس من الشفا و برهان شفا مورد مراجعه و تحقیق قرار گرفته و مطالب مهمی استخراج شده است. این کتاب عظیم‌ترین کتاب بحثی جناب بوعلی به شمار می‌رود که تا پایان به روش بحثی نگاشته شده است.

۳) تعلیقات، مبدأ و معاد از ابن سینا

٤) رسائل عرفانی: حی بن یقظان، رساله الطیر، سلامان و ابسال، رساله العشق، قصیده عنبیه، رساله صلاه

و...

در این رساله‌ها، روش بوعلی نوعی روش بحثی - اشراقی است که مطالب عرفانی خصوصاً در رابطه با نفس و وصول و فناء بیان شده و به عرفان خصوصاً عرفان عملی پرداخته است.

غیر از آثار جناب بوعلی کتاب‌هایی نیز راجع به عقل در فلسفه‌ی مشاء و فلسفه‌ی اسلامی و بررسی فلسفه‌ی سینایی نگاشته شده که هر کدام به بعدی از ابعاد فلسفه‌ی ابن سینا پرداخته‌اند.

١) عقل در فلسفه‌ی مشاء

این کتاب، فلاسفه‌ی مشاء را از ابتدای تاریخ یونان بر شمرده و آموزه‌های هر فیلسوف را بیان می‌کند در مورد فلسفه‌ی ابن سینا نیز به بیان آموزه‌های آن پرداخته اما به جوانب اشراقی این فلسفه توجه چندانی ننموده است.

٣) فلسفه‌ی مشاء

این کتاب به بیان آموزه‌های بحثی فلسفه‌ی سینایی پرداخته و این آموزه‌ها را به بیان ساده تبیین نموده است اما به مباحث روش شناختی فلسفه‌ی ایشان و آموزه‌های اشراقی توجهی نشان نداده و گویا تنها بخش‌هایی از فلسفه را شرح کرده است لذا مورد استناد این اثر واقع نشده است.

٤) ارسطو عندالعرب، و افلوطین عندالعرب، از عبدالرحمن بدوی

در این کتاب، شرح جناب بوعلی بر اثر لوجیا نقل شده و از لابه‌لای ابن شرح، توجه جناب بوعلی به فلسفه‌ی افلوطین به تصویر درآمده است. در افلوطین عندالعرب نیز آموزه‌های افلوطین و شرح جناب بوعلی بر آن بیان شده است که در تحقیق عقل اشراقی مورد استفاده قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش این تحقیق به صورت علمی و کتابخانه‌ای بوده و به سبک تحلیلی - توصیفی انجام شده است.

مشکلات و محدودیت‌ها

از آن‌جا که کتاب‌های بوعلی لبریز از مباحث عمیق فلسفی است توجه شارحان و نویسندگان تنها به شرح آثار ایشان معطوف بوده و بر روش شناختی و بررسی عقلانیت این فیلسوف نپرداخته‌اند. در کتب تاریخ فلسفه مباحث اندکی راجع به گرایش‌های اشراقی ایشان نگاشته شده که اصلاً کفایت نمی‌کند و گاه دچار تناقض‌گویی نیز بوده است. لذا تنها منابع این تحقیق آثار جناب بوعلی بوده و شرح عمیقی بر آموزه‌های اشراقی ایشان و بررسی مؤلفه‌های فلسفه‌ی بحثی وی نوشته نشده است و این کمبود منابع اگرچه مشکلات زیادی در نگاشتن تحقیق به وجود آورد اما باعث غنای بیشتر اثر به خاطر مراجعه مستقیم به آثار این فیلسوف بزرگ نیز شده است.

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: روش عقلانی بوعلی در رسیدن به حقایق چیست؟

سؤالات فرعی:

۱) جایگاه جناب بوعلی در میان مشائین و فلاسفه‌ی بحثی در چه مرتبه‌ای قرار دارد؟

۲) مفاد عقلانیت بحثی و درونمایه‌های این نوع فلسفه چیست؟

۳) برهان و منطق در عقلانیت بحثی و فلسفه‌ی ابن سینا چه جایگاهی دارد؟

۴) مفاد و مؤلفه‌های عقلانیت اشراقی چه هستند؟

۵) آیا بوعلی فیلسوفی کاملاً بحثی و مشائی است یا اشراقی؟

کلید واژه: عقل، عقل در لغت، عقل در اصطلاح، عقل در فلسفه، عقل در منطق، عقل در آیات، عقل در

روایات.

۱-۱. عقل در فلسفه

۱-۱-۱. مفهوم شناسی عقل از نظر لغوی و اصطلاحی:

عقل از جمله واژه‌هایی است که دارای معانی و قلمروهای متعددی است. از آن‌جا که لغت عقل اساساً عربی است، فراوانی معانی آن عمدتاً به این مطلب باز می‌گردد که از کدام باب و با چه فاعل، مفعول یا ظرفی به کار رود. که اگر تمام این موارد را لحاظ کنیم حدود ۳۲ معنا برای آن قابل کشف است. اما با توجه به فراخور بحث، در این اثر به آن دسته از معانی که به بحث مربوط می‌شود اشاره می‌کنیم. مؤلف تاج العروس در تعریف عقل، «آن را نوری روحانی نامیده که نفس بدان علوم ضروریه و نظریه را درک کند و ابتدای وجود آن نور دوران جنینی کودک است و سپس پیوسته افزون گردد تا به کمال رسد»^۱ و همین مؤلف عقل را با عبارت «العقل، العلم و علیه اقتصر کثیرون»^۲ نیز معنا کرده است.

العین در تعریف عقل آن را نقیض جهل دانسته و به معنای «حصن» و «پناهگاه» می‌داند.^۳

در لسان العرب به معنایی دیگر اشاره شده و عقل را مترادف «حجر» و «نهی» و ضد «حمق» دانسته است عقل طبق تحقیق این کتاب، مترادف قلب و به معنای پایداری در امور است و از آن جهت عقل نامیده شده که صاحبش را از سقوط در مهلکه‌ها باز می‌دارد و نیز همان است که انسان را از حیوانات تمییز می‌دهد.^۴ جرجانی نیز در تعریف عقل آورده، «عقل جوهری است مجرد از ماده که وابستگی‌اش بر بدن برای تدبیر و تصرف در آن است و نوری است در قلب که حق و باطل را می‌شناسد».

عقل اگرچه از نظر لغوی معانی بسیار گسترده‌ای دارد اما با ملاحظه‌ی آن در گستره‌ی فلسفی به معانی محدودتری می‌رسیم که جناب ملاصدرا در شرح اصول کافی، برای عقل معانی متعددی را ذکر کرده‌اند و در ذیل حدیث سوم که پیرامون معنای عقل است به معانی متعددی اشاره کرده‌اند:

۱. تاج العروس من جواهر القاموس، محب الدین ابی الفیض السید محمد مرتضی زبیدی، دار مکتبه الحیاء، طبعه الاولی، ۱۳۰۶ هـ، ج ۱۵، ص ۵۰۴.
۲. همان.
۳. خلیل بن احمد الفراهیدی، کتاب العین، منشورات دارالهجره، ۱۴۵۰ هـ. ق، ج ۱، ص ۱۵۹.
۴. جمال الدین محمد بن مکرّم ابن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، نشر ادیب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ هـ. ق، ج ۱۱، ص ۴۵۸.

«عقل گاهی بر اولین مخلوق خداوند متعال صدق می‌کند و گاه بر خصلتی از خصال انسان و ملکه‌ای از ملکات نفس و گاهی حد فاصل و تمایز انسان و حیوان به شمار می‌رود. لذا نام عقل به تشکیک و یا اشتراک بر معانی متعددی اطلاق می‌شود. عقل در انسان غریزه‌ای است که انسان به واسطه‌ی آن برای اکتساب علوم نظری آمادگی می‌یابد...»^۱

این واژه در نزد فیلسوفان، قوه و نیروی نفسانی است که به وسیله‌ی آن، انسان به مقدمات کلی و صادق و ضروری یقین حاصل می‌کند که این کار نه به سبب قیاس و فکر بلکه با فطرت و سرشت ذاتی انسان انجام می‌گیرد و عقل ملحوظ در علم النفس نیز چهار قوه‌ی عقل نظری بوده و در علم اخلاق نیز جزئی از نفس است و به وسیله‌ی آن از اعتقاد به اشیاء در طول زمان محافظت می‌شود با توجه به معانی متعددی که از عقل ذکر شده می‌توان به این نتیجه رسید که معنای عقل تنها در حد یک قوه‌ی نفسانی برای کسب معقولات محدود نمی‌شود بلکه گاه مراد از عقل، روش و راهی است که انسان برای وصول به کمال انسانی پی می‌گیرد و با تشخیص قبیح و حسن از حیوان ممتاز شده و به اکتساب معقولات و رسیدن به کمال می‌پردازد. تمام معانی عقل با تباین و تشکیکات در این امر واحد جمع می‌شوند که غیر از جسم بوده و تحت جسم و جسمانی نیز قرار نمی‌گیرد. جناب بوعلی نیز در تأیید همین معنا عقل را جسم و جسمانی ندانسته و آن را نیروی نفسانی می‌داند.

ملاصدرا در شرح اصول کافی در تعریف عقل آن را فصل ممیز انسان از بهائم تعریف کرده که انسان به وسیله‌ی آن مستعد پذیرش علوم نظری و تدبیر صناعات فکری می‌گردد و این غریزه در همه‌ی افراد اعم از ذکی و کودن به صورت یکسان بوده و حتی در شخص خواب و غافل نیز موجود است و به تعریفی فلسفی

۱. شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹-۵۲۲، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۸۳ و مفاتیح العتیب، ص ۱۳۶، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

جوهری است مجرد که غالباً، را به وسیله‌ی وسائط و محسوسات را به وسیله‌ی مشاهده درک می‌کند. این قوه، از جمله قوای نفسانی انسانی است که فعلش، تفکر، تدبر و تعلق، تمییز و ایجاد صنایع و جز آن است.^۱ با توجه به جمع معانی که راجع به عقل ایراد شده به این نکته می‌رسیم که عقل مصطلح به عقل انسانی مربوط می‌گردد و دیگر معانی عقل جنبه‌ی حاشیه‌ای دارد. در بعضی کتب لغت به وجوه معانی عقل انسانی اشاره شده است از جمله به منع، جمع، التجاء و عقال چرا که انسان را از کارهای ناشایست باز می‌دارد.^۲ و انسان با پناه بردن به عقل خویش، خود را حفظ می‌کند و عقل را پناهگاه خود قرار می‌دهد.^۳

عقل در منطق

در منطق واژه عقل گاهی در تعریف علم به کار می‌رود و گاهی عقلی است که در کتاب برهان مطرح می‌شود، لذا اصطلاحات چندگانه‌ای دارد.

یکی از معانی عقل، قوه‌ای است که علوم حصولی را درک می‌کند اعم از این که این قوه برای انسان باشد یا حیوان، لذا شامل حواس ظاهری، حواس باطنی و واهمه و عقل به معنایی که قوه مدرکه خاص انسانی است می‌شود و مترادف با ذهن بوده و در تعریف علم به کار می‌رود.^۴

عقل در دلالت عقلی

در مبحث الفاظ منطق، اقسامی برای دلالت ذکر می‌کنند که عبارت است از دلالت عقلی، طبیعی و وضعی، دلالت طبعی، ملازمه بین دو چیز طبیعی است: مثل دلالت أفّ بر تأسف و در دلالت وضعی، ملازمه بین دو چیز وضعی و اصطلاحی است؛ مثل دلالت الفاظ بر معانی خود، اما در دلالت عقلی، ملازمه‌ی بین دال و

۱. صدرالدین شیرازی، شرح الاصول الکافی، کتاب العقل والجهل، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲۳.

۲. تاج العروس، ج ۸، ص ۲۵.

۳. لسان العرب، ج ۹، ص ۳۲۶.

۴.

مدلول ملازمه‌ی ذاتی و خارجی است؛ مانند ملازمه‌ی اثر و مؤثر، مثلاً نور روی دیوار هنگام صبح به دلالت عقلی بر خورشید دلالت می‌کند.

کلی عقلی

در مباحث کلی علم منطوق، سه قسم برای کلی ذکر می‌کنند: کلی منطقی، کلی طبیعی و کلی عقلی مثلاً در قضیه‌ی الإنسان کلی، سه چیز وجود دارد، ذات انسان (= ذات موصوف به تنهایی) و مفهوم کلی از این حیث که کلی است با صرف نظر از این که انسان است یا غیر انسان و انسان به وصف کلیت. که به اولی می‌گویند کلی طبیعی، دومی کلی منطقی و به سوّمی کلی عقلی اطلاق می‌شود.^۱

عقل در قرآن

واژه‌ی عقل مترادفات و مشتقات آن بیش از سیصد مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است و در اغلب موارد به معنای «اندیشیدن»، «فهمیدن»، اندیشه و تفکری مقرون با پند گرفتن که باعث هدایت و سعادت می‌باشد، آمده است و در بعضی موارد نیز به معنای علم به کار رفته است. البته کلمه‌ی عقل در قرآن به معنای اسمی آن ذکر نشده ولی مشتقات آن به صورت‌های مختلف وارد شده است؛ مانند «لا یعقلون»^۲، «لَقَوْمَ یَعْقِلُونَ»^۳، «افلا تعقلون»^۴، «افلا یعقلون»^۵ و «یعقل»^۶.

مفاهیمی نیز به صورت مترادف با عقل در قرآن آمده که از جمله می‌توان به چنین مواردی اشاره کرد:

لُبٌّ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ^۷.

نُهَى... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِأُولِي النَّهْيِ^۸.

۱. البزدي، مولى عبدالله بن شهاب الدين الحسين، الحاشية من تهذيب المنطق، ص ۱۴، جامعه مدرسین، قم.

۲. انفال / ۲۲.

۳. روم / ۲۸.

۴. انعام / ۳۲.

۵. یس / ۶۸.

۶. ملک / ۱۰.

۷. زمر / ۲۱.

۸. طه / ۵۴.